



«شهر یادگیریه‌ا»، «عروس کویر»، «حسینیه ایران»، «دارالعباده»، «شهر دوجرخه‌ها» و... .
یزد الفساق فراوانی دارد، چه، تاریخ چند هزارساله آن، عمر یک تمدن را در خود جای داده و فرصت و موقعیتی برای متفاوت بودن در سه‌پهر سیاسی و اجتماعی ایران امروز برایش دست‌وپا کرده است. شهری که یکی از قدیمی‌ترین نشانه‌های پرستش خدا در آن به چشم می‌خورد، به‌نازگی از سوی یونسکو به فهرست ثبت جهانی رسیده است. ثبت این شهر به‌عنوان نخستین شهر تاریخی ایران و بیست‌ودومین اثر تاریخی کشور در فهرست میراث جهانی یونسکو تنها مروهن صفت‌هایی مانند نخستین شهر خشتی دنیا نیست، بلکه آن‌طور که سیدمحمود دعایی، مدیرمسئول روزنامه اطلاعات و یکی از یزیدی‌نبارهای حاضر در سمت‌های مختلف سیاسی و فرهنگی، می‌گوید، این شهر پر از چهره‌هایی است که در پرتوی ساخت تمدنی غنی برای زندگی بشری، از گفت‌وگو و آشتی میان مردمان سخن گفته‌اند و آنچه در یونسکو به ثبت رسیده، در واقع نوعی تجلیل از همت چندقرنی یزدی‌ها به نامندیکی از ایرانیان بوده که در ایجاد گفتمان گفت‌وگو و مدارا و اخلاق کشیده‌اند.
حجت‌الاسلام سیدمحمود دعایی، زاده سال کودتا در شهر یزد است اما در این مصاحبه می‌گوید که به دلایل خانوادگی مدتی را دور از این شهر سبری کرده و همین زمان، فرصتی برای او فراهم کرده که یزد را به شکل جدی‌تری بشناسد. از رهگذر همین شناخت است که او هم از قنات زارچ می‌گوید و هم از چهره‌هایی که تاریخ معاصر ایران مدیون آنهاست و اگر امروز از ثبت جهانی این شهر سخن به میان می‌آید، باید یزد را در مقام زادگاه برجسته‌ترین فقها، عالمان، فیلسوفان و اهالی فرهنگ دوباره کشف کرد:

«با به‌عنوان کسی که متولد شهر یزد است، اولین واکنش شما به شنیدن خبر ثبت جهانی این شهر در فهرست یونسکو چه بود؟

بیش از هر چیز بگویم که به قول مرحوم باستان‌پا یارزی، من نیمی یزدی و نیمی کرمانی هستم، افتخار می‌کنم که زاده ییزد و یزیدی‌تبارم. خاندان پدری من، خاندان محترم و شریفی در این شهر بودند و من تا چهارسالگی به طور مستمر در یزد زندگی می‌کردم. بعد از آن زندگی من، رهین فداکاری‌ها، همدایت‌ها و تربیت‌های مادرم در شهر کرمان قرار گرفت. در دامن مادری که کرمانی بود و با شرافت و پاکدامنی و عزت‌نفس، در عین تنگدستی من را در کرمان بزرگ کرد؛ به مکتب، مدرسه و دبیرستان فرستاد و عملاً دوره نوجوانی من در این شهر رقم خورد.

«از مادران کمتر سخن و خاطره‌ای گفته‌اید.

ایشان بانوی پرهیزگار و وارسته‌ای بود که برای تربیت و بزرگ‌شدن من زحمات فراوانی کشید. پس از طی دبیرستان نیز با طمع‌شدن من موافقت کرد و در کنار آن، همراه و یاور من در مبارزت سیاسی و انقلابی بود و در نهایت اجازه داد که به قم مشرف شوم و فعالیت‌های علمی و سیاسی خودم را در این شهر ادامه دم. پس از هجرت من به عراق و اقامت اجباری در این کشور، ایشان نیز به من ملحق شدند و در آنجا بود که به رحمت ایزدی پیوستند. ایشان مشمول عنایت خاصی‌اش شد، حضرت پذیرفتند که مادرم در جوار ایشان در صحن حضرت امیرالمؤمنین(ع) زیر نودان طلا دفن شود و امام بزرگوار بر پیکر ایشان نماز خواندند. عاقبت و سرانجام شکوهمندی داشت مادر مرحوم.

«در ایامی که کرمان بودید، با شهر یزد و زادگاه پدری‌تان هم ارتباط داشتید؟

بعد از دوران طفولیت -که اگر تصویری هم از یزد داشته باشیم، در خاطر من نیست- دوران دبیرستان فرارسید که من سالی سه ماه تعطیلات را در یزد سپری می‌کردم. در آن ایام یاد پدر و خانواده ایشان مانوس بوم و اندک‌اندک یزد را بیشتر از قبل شناختم. به دنبال مطالعاتی که درباره یزد و زادگاه خود داشتم، به این واقعیت رسیدم که این شهر، زادگاه و پرورش دهنده عناصر و چهره‌هایی بسیار سخت‌کوش و متبکر بوده است.

«اتفاق‌یکی از دلایل ثبت جهانی یک شهر، احترام به ابتکارهای باستانی است که در حوزه مدنیت و زندگی شهری صورت گرفته. در یزد نمونه‌های بسیاری داریم که ذکر آنها خالی از فایده نیست.

بله، یکی از قدیمی‌ترین و دیرپاترین قنات‌های جهان در یزد است. تصادفا منطقه‌ای که اجداد ما به آن منطقه منسوب هستند، یکی از قدیمی‌ترین قنات‌های جهان را در خود جای داده. قنات زارچ که یکی از مهم‌ترین و طولی‌ترین قنات‌های تاریخی دست ساخت بشر است در این منطقه قرار دارد و در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. به عبارت بهتر می‌توان گفت که کرمان و یزد قدیمی‌ترین قنات‌های ایران و بلکه جهان را در خود جای داده‌اند و این تازه تنها یکی از نمونه‌های ابتکار پیشینیان ما برای زندگی بهتر بشر در این نقطه از کره خاکی است.



گفت‌وگویی متفاوت با سیدمحمود دعایی

به بهانه ثبت یزد در فهرست جهانی یونسکو

یزد؛ زادگاه

گفت‌وگوی تمدن‌هاست

سعید برآبادی



و مسلمان ما در این شهرها، یکی از اقدامات زبان‌زده‌شده ایشان در طول دوره حیات بود. در مراجعات و تظلم‌هایی که احياناً پیش می‌آمد، وقتی به خاتمی بزرگ مراجعه‌ای می‌شد، فرد مراجعه‌کننده به‌قدری راضی و سرزنده و امیدوار بیرون می‌آمد که هر کدام از این مجلس‌ها را می‌شود شبیه به روایتی قابل انتقال برای نسل‌های بعدی تعریف کرد. رواداری، تحمل، احترام به عقاید و مقدسات

مذاهب دیگر، در کرمان و یزد فوق‌العاده بوده و هست و به اعتقاد من اینها از خصلت‌هایی است که عمداً تا کویر و نزد کویریان ظهور و بروز می‌کند، چراکه در محیط‌های کویری، انسان‌ها با تلاش و سخت‌کوشی و فداکاری رشد می‌کنند و بزرگ می‌شوند و زندگی می‌سازند. در پرتوی همین سازواری، همکاری و ارتباط سازنده میان انسان‌هاست که تمدن‌های بزرگ اجر به اجر ساخته و پرداخته می‌شوند.

«از دیگر معاصران چه افرادی را در عرصه فرهنگی و سیاسی یزد مؤثر می‌دانید؟

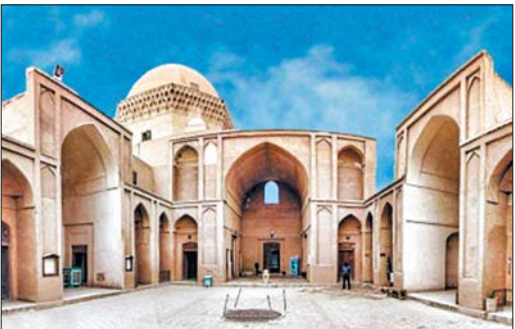
ن باید از چهره‌های دیگری که اثرگذاری تاریخی آنها غیرقابل چشم‌پوشی است، غافل شد. از میان آنها، مرحوم حاج‌شیخ محمود فرساد، یکی از شخصیت‌های برجسته فلسفی، علمی و فرهنگی در ییزد بودند که نقش ایشان در دوران ملی‌شدن صنعت نفت زبان‌زد همگان بود. در زمان طلبگی به کلاس‌های درس ایشان می‌رفتم و این دوره زمانی، مصادف با دوران فعالیت مصدق و انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی بود که نقش ایشان را پررنگ‌تر از همیشه در امور جاریه و سرنوشت‌سای یزد می‌کرد. حال که از مرحوم فرساد یاد کردیم، بد نیست از مرحوم آقا سیدمحمد وزیری هم بادی کنیم که از برجسته‌ترین چهره‌های یزد بودند و از نزدیک ایشان را زیارت کرده‌ام. مرحوم وزیری شخصیتی کم‌نظیر بود که در یزد، کتابخانه‌ای از کهن‌ترین آثار خطی جمع‌آوری کرد و این کتابخانه بزرگ را می‌توان سرمایه‌ای ملی به حساب آورد که اکنون به شعبه آستان قدس رضوی در استان یزد واگذار شده است. مرحوم وزیری پیش از انقلاب، زحمات فراوانی برای مسجد ملاسماعیل کشیده بودند و طی ۲۰ سال، نمازجمعه‌هایی که در این مسجد برگزار می‌شد، از پرشورترین نمازجمعه‌های ایران به شمار می‌آمد.

«یزد نیز در فهرست جهانی یونسکو به‌عنوان یکی از نخستین شهرهای خشتی دنیا به ثبت رسیده است، آیا می‌توان تعبیری متفاوت داشت و گفت که این خشت‌ها فقط خشت‌های ظاهری نیستند و آنچه در یزد قابل احترام است؛ فرهنگ و اخلاق این شهر است؟

اعتقاد من این است که اگرچه یونسکو، یزد را به‌عنوان یکی از کهن‌ترین میراث‌های خشتی بشر معرفی و ثبت کرده، اما این به معنای توجه صرف به ظواهر فیزیکی این شهر نیست. یقیناً خمیرمایه معرفی یک منطقه به‌عنوان یک اثر قابل ارائه در جهان، ریشه در تمدن و فرهنگ و نحوه زندگی مردم آن منطقه داشته و در پرتوی همین خصلت‌ها و افکار و اندیشه‌های بلند مردم آن سرزمین است که چنین تمدنی رشد کرده و بالیده، راه دوری نرویم، در عصر خودمان، آنچه ایران را در جهان بلندآوازه کرد، پیشنهاد انسانی و فرهنگی بلندظرفه‌ای از افتخارات میهن ما بود که توانست گفت‌وگوی تمدن‌ها را به گفتمان جهان معرفی کند و دنیا آن را به‌زیبایی به‌اتفاق پذیرفت. ما میراث‌دار عرضه این تفکر بودیم و میراث‌دار عرضه این موهبت اخلاقی و انسانی به جهان هستیم. بشکام این راهورد ارجمند فرهنگی و بشری کسی نبود جز یکی از بزرگانی که در دامن همین شخصیت‌های بزرگ یزدی رشد کرد و افتخار آفرید.

«با به‌عنوان سؤال آخر، می‌خواهم بدانم که ثبت یزد در فهرست یونسکو، چه پیامی می‌تواند برای مردم ایران و فضای داخل کشور داشته باشد؟

اگر امروز سازمان جهانی یونسکو، یزد را به‌عنوان میراثی ساختاری از جنس خشت خام به جهان معرفی می‌کند، نباید از یاد برد که در کنار این سازه‌های شهری، شخصیت‌های بی‌شماری بوده و هستند که نه‌تنها در شکل‌دادن این تمدن نقش داشته و آن را به وجود آورده‌اند، بلکه در پرتوی آن با منش هماهنگی، هم‌زیستی، تحمل و احترام به یکدیگر، فضای زیستی بهتری را برای جهان امروز آفریدند. اوج چنین میراثی که امروز با ثبت یزد در یونسکو، بیش از قبل جلوه‌گر شده است، گفت‌وگوی تمدن‌ها و معرفی خلق‌و‌خوی صلح‌طلبانه و گفت‌وگومحسور ایرانیان به جهان بود. به عبارت دیگر می‌توان گفت که یزد خاستگاه و زادگاه گفت‌وگوی تمدن‌هاست؛ نه شهری از آجرهای خاموش. امیدوارم جامعه امروز ما این میراث عظیم را که حاصل مجاهدت‌های تاریخی فراوان یزد و فرزندان این جغرافیااست را قدر بدانند و دیگر مناطقی که در ایران از چنین ذخیره و توانی برخوردارند مورد توجه یونسکو به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی عرصه فرهنگ و تمدن بشری قرار بگیرند.



زاویه

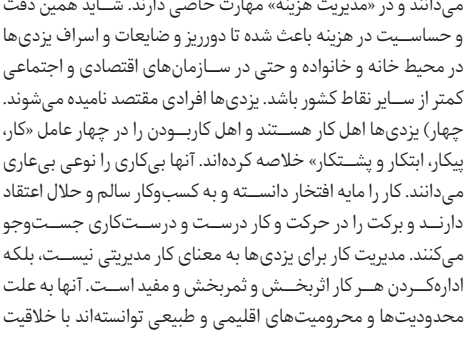
دوشنبه • ۲۶ تیر ۱۳۹۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۹۱۳ • ۹

شرق روزنامه

میراث

صلح جویی؛ سبک زندگی یزدی‌ها

مارکوپولیو پس از بازدید یزد در سفرنامه‌اش این‌گونه می‌نویسد: «یزد شهر بزرگی است که از لحاظ تجارت و رفت‌وآمد نقطه مهمی به شمار می‌رود. یک نوع پارچه ابریشمی و طلایی در آنجا بافته می‌شود که به پارچه یزدی مشهور است و به همه‌جای دنیا صادر می‌شود». با چنین تعریفی، فقط مارکوپولیو نیست که از اشراف یزدی‌ها بر فنون تجارت تجلیل کرده باشد. کاپیتان کریستی که در سال ۱۸۱۰ میلادی از شهر یزد عبور کرده نیز در خاطرات خود می‌نویسد: «تمام مسافران و بازرگانان، شهر یزد را به دلیل داشتن امنیتش دوست دارند، به‌علاوه این شهر یک مرکز بازرگانی مهم میان هندوستان، خراسان، بغداد و ایران بوده و چنان‌که معروف است، بزرگ‌ترین نقطه تجاری ایران است». درباره دلایل موفقیت یزدی‌ها در تجارت و بازرگانی سخن‌ها گفته‌اند. همه محققان و پژوهشگران حوزه مردم‌شناسی معتقدند رفتار یزدی‌ها در حوزه تجارت، نشانه‌منش آنها در زندگی روزمره است اما مگر یزدی‌ها و شهر یزد چه تفاوتی با دیگر نقاط کشور دارند؟ (یک یزد را شهر مردمان آشتی‌خو، صلح‌جو و درستکار می‌نامند. مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان در این شهر سالیان دراز با آرامش و دوستی در کنار هم زندگی کرده‌اند. همچنین در بین ایرانیان، بازاریان یزد به انصاف و عدالت در معامله مشهورند. یزدی‌ها قناعت‌پیشه و مقتصدند و در پارچه‌بافی از قدیم استاد و سرآمد دیگران بوده‌اند. دو) یزد پیش از اسلام یکی از مراکزهای عمده ابن زرتشت بوده است، اهل شهر حتی بعد از ترک عقیده قدیمی پدران خود، با هم همچنان شور و شوق مذهبی خویش را حفظ کرده‌اند و مقید به انجام احکام و مناسک دینی هستند. سه) یکی از ویژگی‌های بارز یزدی‌ها، صرفه‌جویی است و صرفه‌جویی از نظر آنان به معنای به‌جا، به‌موقع و به اندازه خرج‌کردن است. علت اصلی صرفه‌جویی در یزدی‌ها، حساسیت‌شان به دخل‌و‌خرج، هزینه و فایده و حساب و کتاب است. یزدی‌ها، صرفه‌جویی را نوعی مراقبت و دقت برای صحت خرج می‌دانند و در «مدیریت هزینه» مهارت خاصی دارند. شاید همین دقت و حساسیت در هزینه باعث شده تا دورروز و ضایعات و اسراف یزدی‌ها در محیط خانه و خانواده و حتی در سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی کمتر از سایر نقاط کشور باشد. یزدی‌ها افرادی مقتصد نامیده می‌شوند. (چهار) یزدی‌ها اهل کار هستند و اهل کارپویان را در چهار عامل «کار، پیکار، ابتکار و پشتکار» خلاصه کرده‌اند. آنها بی‌کاری را نوعی بی‌عاری می‌دانند. کار را مایه افتخار دانسته و به کسب‌وکار سالم و حلال اعتقاد دارند و برکت را در حرکت و کار درست و درست‌کاری جست‌وجو می‌کنند. مدیریت کار برای یزدی‌ها به معنای کار مدیریتی نیست، بلکه اداره‌کردن هر کار اثربخش و ثمربخش و مفید است. آنها به علت محدودیت‌ها و محرومیت‌های اقلیمی و طبیعی توانسته‌اند با خلاقیت



میان دانشگاه لیدز انگلستان و یک دانشگاه سنگاپوری منتشر شده است.

این تحقیق دقیقاً به همین سؤال می‌پردازد که چقدر اهمیت دارد وقتی می‌خواهیم تصمیم بگیریم، گزینه‌هایمان را یکی‌یکی بررسی کنیم یا همه را در کنار هم بررسی‌های این گروه نشان می‌دهد که به‌طور متوسط ۲۲ درصد احتمال انتخاب بهترین گزینه بیشتر می‌شود، وقتی همه گزینه‌ها را کنار یکدیگر و به مقایسه با هم بررسی کنیم؛ جالب است که این گروه می‌گویند بر اساس مشاهداتشان، اغلب شرکت‌های پیشرو خودروسازی یا بیمه عمر، گزینه مقایسه محصولات یا خدمات نداشته و هر محصول و خدمت تنها صفحه ویژه خودش را دارد؛ درست است، برای اینکه مثلاً ناهار یا شاممان را در کدام رستوران یا فست‌فود بخوریم ممکن است آن قدرها هم این مسئله مهم نباشد، اما وقتی مسئله انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب همسر، انتخاب شغل، انتخاب شریک تجاری برای یک شرکت یا ملت و... مطرح می‌شود، یک درصد احتمال بالاتر در انتخاب بهترین گزینه نیز اهمیت بسیار زیادی دارد، چه رسد به ۲۲ درصد!
خب چه می‌توان کرد؟ سعی کنیم تا حد امکان برای انتخاب و تصمیم نهایی، چندین گزینه محتمل را در کنار یکدیگر مقایسه کنیم. این راهکار، امروز حتی به لطف فناوری، برای مشاوران یزد و فرزندان این جغرافیاست را قدر بدانند و دیگر مناطقی که در ایران از چنین ذخیره و توانی برخوردارند مورد توجه یونسکو به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی عرصه فرهنگ و تمدن بشری قرار بگیرند.

یزد در آینه مشاهیرش

تنها در ویکی‌پدیا بیش از صد چهره مهم و تأثیرگذار یزدی می‌توان سراغ گرفت؛ مشاهیری که در علوم، فقه، فلسفه، اخلاق، شعر، سیاست و فرهنگ حضور ماندگار داشته‌اند و برخی از آنها در خط‌کشی‌های سیاسی امروزی، جایگاه متمایزی یافته‌اند؛ از فرخی‌یزدی شاعر تا حاج‌احمد متوسل‌سارون، از محمدتقی مصباح‌یزدی تا سیدمصطفی مازندرانی.
از مهدی آذریزدی تا وحشی بافقی شاعر. در در میان این سخن‌گفتن از زاده‌های کویر یزد بدون دسته‌بندی سیاسی و رعایت تقدم و تاخر سخت می‌توانیم، به‌عنوان معلم بنشاسیم، راهی جز شناخت معین‌الدین بن‌جلال‌الدین محمد یزدی (مشهور به معلم) نیست، او که معاصر روزگار آل‌مظفر بود اثری گران‌سنگ به نام «مواهب الهی» دارد و معلم بسیاری از چهره‌های برجسته پس از خود بوده است، یزد، وکلا و حقوق‌دانان فراوانی نیز به تاریخ معاصر ایران تقدیم کرده، اما در میان آنها نام‌های امیر رکن‌الدین محمدبن نظام حسینی و پسرش محمدبن شمس‌الدین (معروف به سیدرکن‌الدین و سیدشمس‌الدین) بیش از بقیه مهم و قابل توجه است. این دو در زمانه خود یعنی قرون هفتم و هشتم هجری قمری، علاوه بر علوم زمانه، در زمینه حقوق نیز جایگاه ویژه‌ای داشتند.
بعید است بتوان شاعری را هم‌پایه محمد فرخی‌یزدی، راسخ و استوار بر سر عهد خود با مردم یافت. شاعر لبدوخته‌ای که در یزد متولد شد و با بیت «شرح این قصه شنواز دلب دوخته‌ام/تا بسوزد دلت از بهر دل سوخته‌ام» جایگاه ویژه‌ای در میان مردم یافت و در زندان قصر تهران صید زندان‌بانان استبداد شد.

میدان امام‌زاده‌ها، شهر یزد، ساخته شده توسط شهرداری یزد، در جریان جشن یزدگردی، ۱۳۸۹

میدان امام‌زاده‌ها، شهر یزد، ساخته شده توسط شهرداری یزد، در جریان جشن یزدگردی، ۱۳۸۹